

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





## دو فصلنامه معماری، شهرسازی و هنر

سال ششم، شماره هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

صاحب امتیاز: دانشگاه علم و صنعت ایران

سر دبیر: دکتر اصغر محمد مرادی

### اعضای هیأت تحریریه

دکتر محسن فیضی

دکتر غلامحسین معماریان

دکتر مصطفی بهزاد فر

دکتر اسماعیل شیعه

دکتر مهیار اردشیری

دکتر محمدرضا بمانیان

دکتر فرهاد تهرانی

دکتر فرح حبیب

دکتر محسن سرتیپی پور

مهندس عبدالحمید نقره کار

دکتر فرشاد نوریان

دکتر عباسعلی ایزدی

استاد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران  
استاد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران  
استاد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران  
استاد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران  
دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز

دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

دانشیار گروه شهرسازی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران

دکتر مهدی خاکزند، استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

مهندس فملا معمار زنجانی، کارشناس کامپیوتر

مشاور تحریریه و ویراستار علمی:

مدیر اجرایی:

نشانی نشریه: تهران، نارمک، دانشگاه علم و صنعت ایران، دانشکده معماری و شهرسازی

تلفن: ۷۷۲۴۰۲۷۷

پست الکترونیکی: jfa@iust.ac.ir

آدرس وبگاه: jfa.iust.ac.ir

## راهنمای نویسندگان

### راهنمای تهیه و شرایط ارسال نوشتارهای علمی و پژوهشی:

- نوشتارهای علمی و پژوهشی، تحلیلی و گزارش‌های علمی در زمینه معماری، شهرسازی و سایر رشته‌های هنری مرتبط برای درج در نشریه پذیرفته شده و پس از داوری و تصویب هیأت تحریریه به چاپ می‌رسند.
- متن مقاله باید فارسی باشد.
- مقالات ارسالی نباید قبلاً در مجله علمی دیگر یا کتابی چاپ شده باشد.
- مقاله علمی و پژوهشی دارای خلاصه فارسی و انگلیسی، مقدمه، کلید واژه، طرح مسئله، فرضیه، روش شناسی تحقیق، مباحث، نتیجه‌گیری و فهرست منابع بوده و روش ارجاع نویسی آن مطابق روش مصوب این نشریه باشد.
- ارجاعات مربوط به منابع در متن شامل: نام خانوادگی نویسنده(گان)، سال انتشار و شماره صفحه(ها) پس از نقل مطالب در داخل پرانتز می‌آید.
- فهرست منابع به ترتیب الفبایی نام خانوادگی یا نام اشهر نویسندگان در انتهای مقاله می‌آید.
- ترتیب عناصر اطلاعات کتابشناختی در مورد مقالات، کتب، گزارش‌ها و سایر مراجع به شرح زیر است:
- مقالات: نام خانوادگی و نام نویسنده(گان) مقاله، عنوان کامل مقاله، نام مجله، جلد، شماره، سال انتشار، شماره صفحات مقاله در مجله مربوطه.
- کتب و گزارش: نام خانوادگی و نام نویسنده(گان)، عنوان کتاب، نام خانوادگی و نام مترجم یا مصحح، نام ناشر، محل انتشار، سال انتشار و صفحه.
- صفحه اول مقاله باید شامل نام و نام خانوادگی نویسنده(گان)، عنوان(مرتبه علمی)، نشانی، تلفن، دورنگار و آدرس الکترونیکی باشد. همچنین چنانچه مقاله مستخرج از طرح پژوهشی یا رساله باشد، عنوان طرح پژوهشی یا رساله نیز در صفحه اول درج گردد.
- صفحه دوم باید بدون نام و مشخصات نویسنده(گان) و فقط شامل: عنوان مقاله، چکیده فارسی و واژه‌های کلیدی باشد، عنوان نوشتار باید کوتاه، گویا و بیان‌کننده محتویات نوشتار باشد.
- در نوشتارهای علمی، پژوهشی و تحلیلی لازم است واژه‌های کلیدی مربوط به متن و عنوان مقاله بلافاصله بعد از خلاصه و بین ۴-۶ کلمه نوشته شود.
- عکس‌ها، تصاویر و نمودارهای مقاله علاوه بر ذکر منبع، باید در ارتباط مستقیم با محتویات مقاله و اسنادی باشد که توسط نگارنده ارائه گردیده و تصاویر اضافی حذف خواهد شد.
- نوشتارها باید دارای چکیده فارسی و انگلیسی باشند.
- چکیده مقاله باید شامل: بیان مسئله، هدف، چگونگی پژوهش، یافته‌های مهم و نتیجه باشد. این بخش باید به تنهایی بیان‌کننده تمام مقاله و به ویژه نتایج به دست آمده باشد، چکیده فارسی و انگلیسی باید هر کدام حداکثر در ۳۰۰ کلمه باشد.
- ارسال‌کننده مقالات باید از اعضای هیات علمی دانشگاه باشند.
- تمامی علاقه‌مندان به ارسال مقالات ابتدا باید در سایت نشریه ثبت نام کرده و بعد از تایید نام کاربری اقدام به ارسال مقاله از طریق وب سایت نشریه کنند شایان ذکر از به مقالاتی که به صورت دستی و کپی شده به دفتر نشریه ارسال میشود و یا از طریق ایمیل نشریه ارسال میشود ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- صحت نوشتارهای علمی برعهده نویسنده(گان) است.
- چاپ مقالات نشریه انجمن بدون ذکر مأخذ در مجله‌های دیگر ممنوع می‌باشد.

# طرح و نماد

دو فصلنامه معماری، شهرسازی و هنر

سال ششم، شماره هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

## فهرست

۱۱۵

- استفاده از مدل ترکیبی (SWOT-AHP) جهت ارتقاء توسعه پایدار شهر خوی با تأکید بر توسعه گردشگری فرهنگی

ساناز لیتکوهی، مهسا مجتهدی

۱۲۵

- ارزیابی و شناخت عوامل مؤثر بر جهت‌دهی خلاقانه به معماری معاصر در مسیر تعاملی نو با ارزش‌ها و سنت‌های پایدار

مازیار آصفی، الناز ایمانی

۱۴۰

- افزایش رضایتمندی کودکان از کلاس درس بوسیله بهبود عوامل کالبدی طراحی کلاس: بررسی پنج عامل فرم، چیدمان، طبیعت، رنگ و نور

سید باقر حسینی، بهمن بابایی، محسن پورحمزه

۱۴۹

- بررسی سازه‌های گنبد در برخی مساجد جامع ایران متعلق به دوره‌های مختلف تاریخی

فرنوش مینوفی، لیدا بلیان، فرزاد درخشان، وحید سلماسی

۱۵۶

- از زیر سایه تا خانه (واکاوی سیر گسترش گونه چهار گوشه خانه در معماری بومی منطقه اورامان)

غلامحسین معماریان، سیروان عظیمی

۱۷۱

- ارزیابی تعامل فرم و عملکرد فضاهای شهری: مطالعه موردی محور آزادی، تهران

مریم چرخچیان، مهیار عارفی

۱۸۴

- ارتقاء حضور پذیری کودکان در فضاهای عمومی شهری با تأکید بر الگوی آمد و شد پیاده مدارس

مهناز اشرفی



## طرح و نماد

شهرسازی

## دو فصلنامه معماری، شهرسازی و هنر

ارزیابی تعامل فرم و عملکرد فضاهای شهری: مطالعه موردی محور آزادی، تهران

مریم چرخچیان<sup>۱\*</sup>، مهیار عارفی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵

### چکیده:

ضرورت توجه به فضاهای عمومی شهری و اهمیت آن در زندگی روزمره شهروندان مقوله ای است که بارها و بارها در مطالعات گوناگون مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است. وجود چنین فضاهایی در عرصه شهرها و تضمین موفقیت آن‌ها در پاسخگویی به زندگی جمعی شهروندان، زمینه ساز دستیابی به فضاهای شهری موفق می‌باشد. با این نگاه، تحقیق حاضر با توجه به اهمیت نظریه لینچ در مورد دستیابی به طراحی شهرهایی مطلوب در رابطه با نیاز شهروندان، به بررسی معیارهای: معنا، بقا، تناسب، دسترسی و کنترل و نیز دو مقوله کارایی و عدالت به عنوان دو فرامعیار در یکی از فضاهای شهری مهم در شهر تهران براساس مشاهده مستقیم و تجربه روزمره می‌پردازد که محور خیابان آزادی حدفاصل میدان انقلاب تا اکباتان می‌باشد. با توجه به وسعت و کیفیات متنوع این فضا، محور مذکور به چهار بخش متفاوت تقسیم گردید و نتایج نیز به صورت کلی و به تفکیک بخش‌های چهارگانه ارائه گردیده است. تحلیل نتایج حاصل از مشاهدات نشان می‌دهد که عامل معنا بیشترین میزان و کارایی فضا از کمترین میزان برخوردار است که با توجه به تعاریف هر یک از معیارهای مذکور، نشان دهنده ضعف فضا به لحاظ رضایتمندی و مناسب بودن و حداقل تضاد میان سایر ابعاد در فضا می‌باشد. این عوامل حاکی از آن است که گرچه فضا توانسته به لحاظ معنا، عدالت و دسترسی تا حدودی پاسخگو باشد ولی مدیریت شهری در به حداقل رساندن تضاد سواره و پیاده و حمایت از زندگی پیاده در آن موفق نبوده است.

واژه‌های کلیدی: فضای عمومی، زندگی روزمره، عدالت، کارایی، معنا، بقا، تناسب، دسترسی و کنترل.

### ۱- مقدمه

شده‌اند را ارائه می‌نماید و در عین حال می‌تواند به عنوان جایگاهی برای هنر، نمایش، اجرا و جایی که مردم هویت منحصر به فرد خود را به دیگران بیان می‌کنند عمل کند.

در میان الگوهای مختلف فضاهای عمومی، خیابان همیشه نوعی از فضای عمومی بوده که به صورت اهداف عملکردی برای دسترسی از مکانی به مکان دیگر به کار رفته است. ولی در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ با پیشرفت تکنولوژی (معرفی کفسازی‌ها و پیاده راه‌ها، گاز و الکترونیک)، لبه خیابان به یک فضای عمومی اجتماعی تبدیل گردید. بلوارهای هوسمان نه تنها به نور خورشید اجازه داد که بین ساختمان‌ها بتابد بلکه فضایی برای خیابان و پیاده روها و فعالیت‌های اجتماعی فراهم نمود و ایده‌های طراحان هوسمان، به عنوان پایه ای برای فضاهای عمومی آینده در سراسر جهان به کار گرفته شد. در این میان، با توجه به آن که نظریه‌های کوین لینچ از جمله نظریاتی است که توانسته تأثیر گسترده ای بر این حوزه از شهر بر جای گذارد تحقیق حاضر سعی دارد به مطالعه تعامل فرم و عملکرد محور خیابان آزادی در تهران به عنوان یکی از محورهای حائز اهمیت و شاخص در شهر در خلال تجربه زندگی روزمره که در این فضا اتفاق می‌افتد و براساس نظریه‌های لینچ بپردازد.

نقش قلمروهای عمومی با فضاهای شهری در شهرها همواره مورد توجه متخصصین حوزه‌های مختلف بوده و بسیاری از محققین هم چون لفور و کراوفورد و سایرین بر اهمیت این فضاها به عنوان مکان فعالیت‌های روزمره تأکید می‌کنند [۱] [۲] [۳]. ما به فضاهای عمومی عادلانه در متن زندگی روزمره خود بستگی داریم. بنابراین با وجود آن که تفاوت‌های بسیاری در تبیین فضاهای عمومی وجود دارد، بر این نکته اتفاق نظر است که فضاهای عمومی شامل تمامی مناطقی می‌باشد که باز و در دسترس برای تمامی اعضای جامعه هستند. چراکه فضاهای عمومی باز و در دسترس عامه، توسط بسیاری از نظریه پردازان مورد تأکید قرار گرفته‌اند و این امر نقش مهمی در ایجاد دموکراسی و امکان مشارکت شهروندان در فضایی دموکراتیک ایفا می‌نماید. با این نگاه، فضاهای عمومی مرحله ای برای تعامل با دوستان و بیگانگان و مجادله قدرت فراهم می‌نمایند. این تعاملات شامل ملاقات‌هایی است که افراد با دوستان خود در فضاهای عمومی مثل خیابان‌های همسایگی و رستوران‌های محلی دارند و پایه شکل گیری شبکه‌های اجتماعی آن‌هاست. با تعلقات اجتماعی نزدیک که افراد در این فرآیندها توسعه می‌دهند، حس تعلق و امنیت خود را بسط می‌دهند. از سوی دیگر، فضاهای عمومی همیشه فرصت‌هایی برای تضاد میان کسانی که ادعای کاربری در فضا را دارند و کسانی که ناعادلانه حذف

\* نویسنده مسئول: m\_charkhchian@iust.ac.ir

۱- استادیار دانشگاه پیام نور، دانشکده هنر و معماری

۲- استادیار دانشگاه سینسیناتی

## ۱- مرور ادبیات

کیفیات متعددی وجود دارند که فضاهای عمومی را به عرصه اجتماعی مطلوب بدل می‌کنند که محققینی مانند: کار، لینچ و گیل به آن اشاره نموده‌اند. در این راستا، فرانسویس جنبه‌های مختلف فضاهای عمومی را به وسیله: تنوع کاربران و کاربری‌ها، آسایش، دسترسی، معنای محیطی، کشف، چالش، مشارکت، کنترل، اصلاح، تضاد و حل، کیفیات اکولوژیکی و در نهایت ارزیابی و مدیریت تبیین می‌نماید [۴]. به هرحال، آن چه در فضاهای عمومی اهمیت دارد آن است که این فضاها باید برای عملکردها و اهداف گوناگون و نیز با توجه به نحوه کاربری متفاوت شهروندان طراحی شوند [۵] که دستاورد آن برابری گروه‌های مختلف در استفاده از فضا و تأکید بر عمومی بودن در برابر خصوصی بودن و ایجاد زمینه‌ای مشترک برای معانی است که باید بر پایه معناداری، دموکراتیک بودن و حمایت‌کننده بودن بیشتر فضا از کاربران یعنی تعامل بهینه فرم و عملکرد تأکید نمود [۶].

### ۲-۱- مروری بر نظریه لینچ

مودون، ۱۹۹۲، بیان می‌کند که «تأثیر لینچ در قراردادن طراحی شهری در طرحی متفکرانه در برنامه ریزی شهری غیرقابل انکار است و به نحو عجیبی وسیع است. کار او نه تنها در ژاپن و اروپا شناخته شده است بلکه در حوزه‌های، برنامه ریزی، معماری و جغرافیا به کار رفته است» [۷]. سیستم او بر پنج بعد اجرایی استوار است که مشخصه‌های شهر مطلوب را در بر می‌گیرد:

#### الف- دوام:

دوام به میزان حمایت فرم از عملکردهای بیولوژیکی انسان اشاره دارد و شهر را به مکانی مبدل می‌سازد که مردم می‌توانند با آسایش در آن زندگی کنند، کودکان خود را پرورش دهند، خلوت داشته باشند، بخوابند، بخورند و استراحت کنند. این کیفیت در سه بعد زیر قابل تعریف است:

۱- نگهداری: فراهم آوردن غذا، انرژی، آب و هوای سالم و نیز سیستم دفع زباله مناسب.

۲- امنیت: حمایت ساکنین در برابر سموم، بیماری‌ها، تصادفات، حملات و ناگواری‌ها.

۳- تطابق: پاسخ به نیازهای انسان برای بقا و ثبات حال و آینده از کلیت اکولوژی.

#### ب- معنا:

معنا با پتانسیل یک مکان در رابطه با درک و شناخت افراد در رابطه است. مردم باید قادر به درک شهر خود باشند و از فرصت‌های آن آگاه باشند. لینچ، هویت را به عنوان عنصر اصلی تصویر محیطی و ساده‌ترین شکل معنا و عامل متمایزکننده و تشخیص دهنده لحاظ می‌کند. برای وی، هویت آن چیزی است که مکان را به راحتی قابل تشخیص می‌گرداند. این امر با این که چگونه تصویر ذهنی و درونی از شهر خلق می‌شود در رابطه است. آن گونه که لینچ تعریف می‌کند: مشاهده گر - با

میزان تطابق پذیری بالا و در پرتو اهداف خود- به آن چه می‌بینند، انتخاب می‌کند و سازماندهی می‌نماید معنا می‌بخشد [۸]. این بُعد با جنبه‌های مختلف زیر تعریف می‌شود:

۱- هویت: ویژگی که مکان را در میان سایر مکان‌ها متفاوت و خاطره‌انگیز می‌سازد.

۲- ساختار: چگونه یک فضا شکل می‌گیرد و فضاهای مختلف با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند.

۳- سازگاری: میزان سازگاری فرم مکان با عملکرد و الگوی زندگی جامعه آن.

۴- شفافیت: میزان قابل رویت بودن عملکردهای مختلف مکان که در یک سکونتگاه اتفاق می‌افتد.

۵- خوانایی: میزان این که ساکنین توانایی برقراری ارتباط با مکان از طریق مشخصات کالبدی نمادین در مورد مالکیت، وضعیت، همبستگی و رفتار مناسب داشته باشند و این که فرم کالبدی مکان تا چه اندازه امکان پیدا کردن مسیر و جهت گیری و موقعیت‌یابی به ساکنین می‌دهد.

۶- اهمیت: میزان اهمیت سمبلیک مکان براساس ارزش‌های جامعه، احساسات، خاطرات، رویدادها و ساختارهای اجتماعی.

#### ج- تناسب:

میزان تناسب به ظرفیت فرم و مکان در رابطه با نیازهای انسان و رفتار او بستگی دارد. تناسب به معنای همخوانی میان فرم و عملکرد است و در سازگاری با زمینه و بستر آن اتفاق می‌افتد. این کیفیت نه تنها به جنبه‌های کالبدی بلکه به انتظارات فرهنگی، هنجارها و عادات اشاره دارد. بنابراین، یک مکان باید از کمیت‌های مطلوب جاری و عملکردهای احتمالی آینده حمایت کند. تناسب، یک متغیر اجرایی اصلی است که برنامه ریزان و طراحان باید به لحاظ مداخلات اساسی و حفظ و تداوم برنامه ریزی دقت کافی به آن مبذول دارند [۸].

#### د- دسترسی:

آن چه در شهرها به طور عمومی مورد نظر می‌باشد آن است که مردم باید دسترسی آسان به منابع، سایرین، سایر مکان‌ها اطلاعات داشته باشند. مردم باید شهر را مکانی بیابند که در آن بتوانند تجارب خود را بسط داده، مردم و دوستان خود را ملاقات نمایند، با دیدگاه‌های دیگران آشنا شوند و در عین حال، سرگرمی و تفریح داشته باشند [۹]. دستیابی به این کیفیت بدون لحاظ کردن گوناگونی، برابری و مدیریت سیستم دسترسی ممکن نیست.

#### ه- کنترل:

کوبین لینچ (۱۹۸۱) کنترل و دسترسی را با حقوق فضایی شامل: حق حضور، حق کاربری و حق عملکرد (آزادی در فعالیت)، حق اختصاص دادن، حق اصلاح و تغییر و حق واگذاری تعریف می‌کند چراکه مردم نیاز دارند تا آشکارا احساس نمایند محیط به آن‌ها تعلق دارد [۱۰]. «محیط شهری باید محیطی باشد که مردم را به بیان خود، درگیر

شدن، تصمیم‌گیری در مورد آن چه می‌خواهند و تمایل دارند تشویق نماید. این امر باید از بیگانگی و بی‌نامی بکاهد، بر حس هویت و ریشه داشتن بیفزاید و مراقبت و پاسخگویی بیش‌تر در محیط کالبدی شهر را تشویق نماید» [۹]. کنترل در شهر ابعاد مختلف زیر را داراست:

- ۱- اطمینان از این که مردم کنترل بر فضا را درک می‌کنند و می‌توانند سیستم کنترل‌کننده را پیش‌بینی نمایند؛
- ۲- پاسخگویی به انگیزه‌ها، اطلاعات و قدرت لازم افراد در کنترل مکان؛
- ۳- سازگاری سیستم کنترل‌کننده با آن چه کاربران واقعی یک فضا کنترل می‌کنند و به آن همبستگی احساس می‌کنند.

### و- کارایی و عدالت به عنوان دو فرامعیار:

کارایی به عنوان یک فرامعیار در نظریه لینچ مطرح می‌شود چراکه پنج بُعدی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره گردید گاه در واقعیت می‌توانند با یکدیگر تضادهایی داشته باشند. به عنوان مثال، معنا می‌تواند با تناسب در تضاد باشد و دسترسی می‌تواند بر کنترل تأثیر منفی داشته باشد. بنابراین ما باید جنبه‌های مثبت و منفی هر بعد را در قالب عاملی مانند کارایی مقایسه و بررسی نماییم. عدالت فرامعیار دیگری است که معیاری وزن دهنده بین تمایلات گروه‌های مختلف است و به طراح و برنامه‌ریز در مدیریت نقاط ضعف و قوت کمک می‌کند.

این امر به روشی که هزینه‌ها و منافع در میان افراد توزیع می‌شوند، یعنی تعادل میزان بهره حاصل از هر معیار؛ اشاره دارد. به طور مثال، محیط‌های خوب باید برای همه در دسترس باشند. هر شهروند مستحق داشتن میزان حداقلی از سرزندگی محیطی، هویت، کنترل و فرصت است و طراحی شهری مطلوب باید فقرا و ثروتمندان را به یک نسبت مورد توجه قرار دهد [۹].

### ۳- روش تحقیق

در مطالعه یک پدیده یکی از روش‌های رایج آن است که از رویکرد کیفی براساس برداشت‌های اول شخص محقق<sup>۱</sup> استفاده می‌گردد. در این رویکرد، تجارب دست اول محقق براساس مشاهدات او مبنای تحقیق است که مطالعات ویولچ<sup>۲</sup> در سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۸۵ [۱۱] [۱۲] و تُمبز<sup>۳</sup> در سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۲ [۱۳] [۱۴] از مصادیق آن می‌باشند. دستاورد چنین مطالعاتی، یادداشت‌های توصیفی (از حالات و حرکات، گفتگوها، موقعیت‌ها، فعالیت‌ها و رفتارها) و یادداشت‌های منطقی و تحلیلی محقق می‌باشد. این مشاهدات به صورت سیستماتیک و غیر سیستماتیک صورت می‌گیرد که نوع دوم آن، بر تبیین ابعاد نظری موضوع، تعیین ساختار و متغیرها و سنجش آن‌ها استوار است [۱۵]. این روش در رویکردهای Emic و Etic نیز مطرح است که در مسائل گوناگون فرهنگی و رفتاری مورد استفاده قرار می‌گیرند. به طور مشابه، در رویکرد Emic، مطالعات براساس مشاهدات و مطالعات کمی و کیفی محقق در درون یک سیستم معین صورت می‌گیرد و ابعاد مختلف سیستم مورد مطالعه از نگاه محقق مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

در تحقیق حاضر، مطالعات ویولچ به طور خاص مبنای انتخاب روش تحقیق قرار گرفته‌اند که بر مطالعات کیفی و کمی یعنی رویکرد Emic استوار است. در مطالعه مذکور، ویولچ چهار دهکده را مورد بررسی قرار داده است که علیرغم شباهت‌های ظاهری، تفاوت‌هایی به لحاظ نوع ترکیب بدنه آب و خشکی دارند که منتهی به شکل‌گیری فضاهای شهری متفاوت در آن‌ها گردیده است. وی در مشاهدات خود که براساس قدم زدن و مشاهده مستقیم در فضا صورت گرفته است، تفسیر شخصی خود را تحت تأثیر محیط بیان می‌نماید و از قرائتی که از نمونه‌های مورد مطالعه برپایه نقش فعال خود به عنوان محقق دارد، سخن می‌گوید. این سهم تفسیرهای شخصی محقق، حتی در تفسیرهای تاریخی نیز توسط کالینگوود مطرح گردیده است که گروت و وانگ تحت عنوان نقش نبوغ و خلاقیت محقق به آن اشاره می‌نمایند [۱۶]. ویولچ در مشاهدات خود در چهار دهکده مذکور درباره تشابهات ظاهری (نوع مصالح و سبک) از یک سو و تفاوت‌های ترکیب آب و خشکی که در طول زمان شکل گرفته‌اند که ناشی از عوامل اقلیمی و شیب زمین می‌باشند صحبت می‌کند که نه تنها تفاوت‌هایی در آن‌ها به لحاظ فضاهای شهری پدید آورده بلکه نوع و میزان متفاوتی از تعاملات اجتماعی ساکنین را نیز به همراه داشته است [۱۱]. لذا با عنایت به تحقیق مذکور، مطالعه حاضر به طور مشابه، چهار بخش مختلف محور آزادی، حدفاصل میدان انقلاب تا شهرک اکباتان؛ را مورد بررسی قرار داده است که علیرغم تشابهات ظاهری تفاوت‌هایی به لحاظ معنایی و عملکردی دارند. در این بررسی، تفاوت‌ها در سه حوزه: عرصه خیابان، عرصه پیاده و فضای سبز مورد توجه قرار گرفته‌اند و تلاش بر پاسخ به این پرسش بوده است که هر بخش تا چه میزان توانسته در تسهیل عملکرد روزمره شهروندان مؤثر باشد و از زندگی روزمره آنان حمایت نماید.

از آنجایی که بررسی عملکرد و زندگی روزمره شهروندان و ظرفیت‌های شکلی و عملکردی این فضا مورد نظر بوده است، این تحقیق بر پایه نظریه لینچ انجام گرفته که معیارها و شاخص‌های مختلف آن براساس مبنای نظری تحقیق در جدول ۱ آمده است. به عنوان اولین گام در تحقیق، خیابان آزادی که به عنوان نمونه مورد انتخاب شده است به دلیل وسعت آن به ۴ بخش تقسیم شد و سپس براساس مشاهدات مستقیم، امتیازهایی بین ۱ تا ۱۰ به هر معیار در هر بخش داده شد. در نهایت به منظور تعیین امتیاز دقیق، متوسط امتیازهای کسب شده در هر بخش مبنای محاسبات کلی قرار گرفت.

### ۳-۱- معرفی نمونه موردی

خیابان آزادی یکی از خیابان‌های اصلی تهران است که به لحاظ جنبه‌های مختلف معنایی، کالبدی و عملکردی و حتی اجتماعی اهمیت ویژه‌ای را داراست. این خیابان به لحاظ معنایی، عناصر شاخصی چون میدان آزادی را در خود جای داده است که نماد شهر تهران به عنوان پایتخت ایران است. به لحاظ عملکردی نیز عملکردهای شاخص اداری و دانشگاهی مانند دانشگاه شریف و تهران و مرکز خرید کتاب را در شهر در بر می‌گیرد که اقشار مختلف اجتماعی

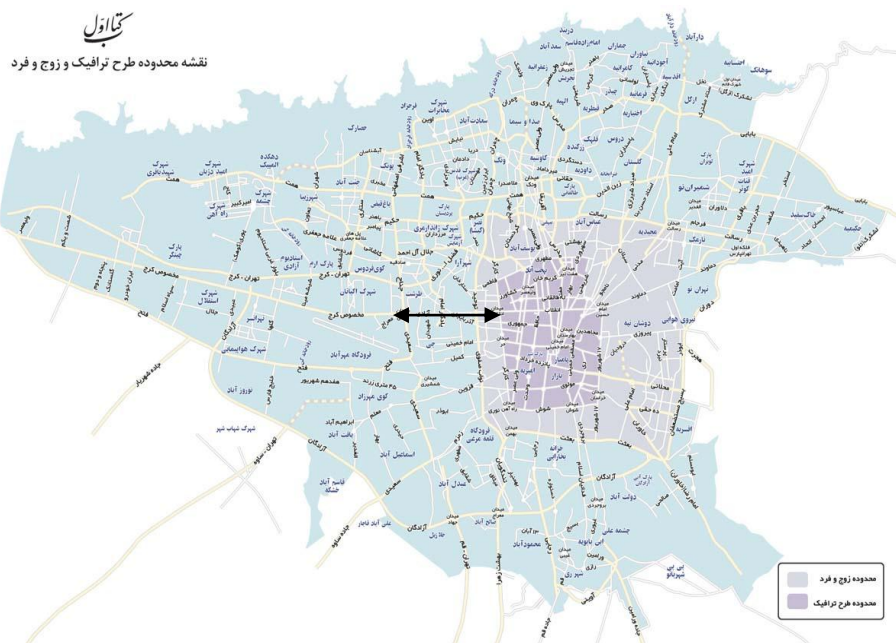


است. سوال این تحقیق آن است که آیا این خیابان برای حمایت از عملکردهای موجود در آن مناسب است؟ ظرفیت بخش‌های مختلف این محور در رابطه با معیارها و متغیرهای تحقیق چگونه است و در هر یک از معیارهای تحقیق تا چه اندازه توانسته موفق باشد؟

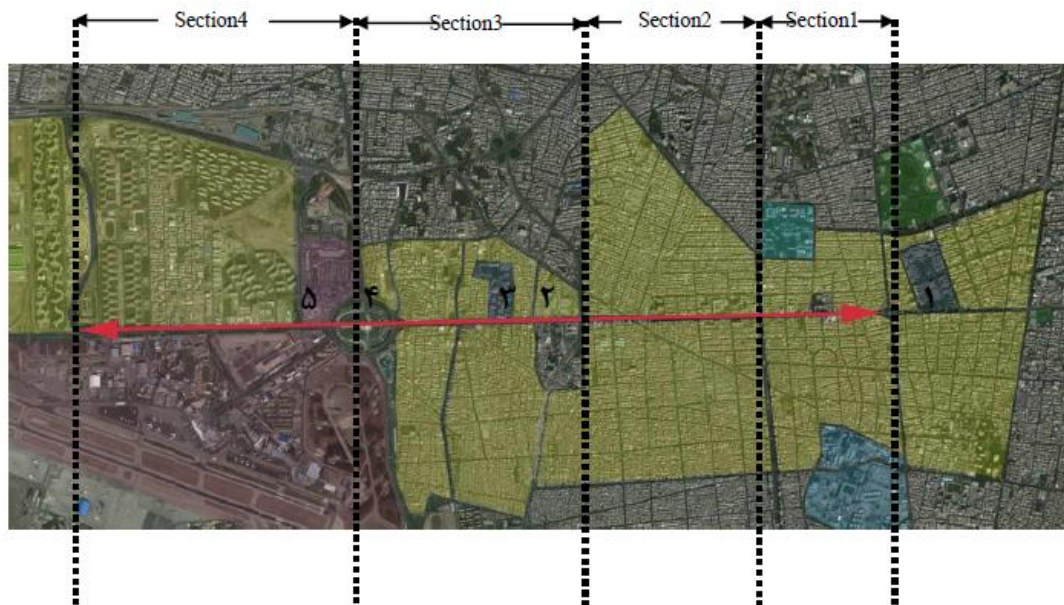
را هر روزه به خود دعوت می‌نماید. به لحاظ بعد اجتماعی نیز برگزاری راهپیمایی‌ها و نماز جمعه سبب گردیده این خیابان میزبان فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی باشد. علاوه بر این، وجود ترمینال غرب نیز به این خیابان نقش دروازه ای را نیز اعطا نموده

جدول ۱: معرفی معیارها و متغیرهای تحقیق

عدالت	کارایی	کنترل	تناسب	دسترسی	معنا	دوام
• دسترسی برای زنان	• مناسب بودن	• داشتن حق حضور	• تناسب با رفتارها	• به مکانها	• خوانایی	• نگهداری
• کودکان		• فعالیت	• عدم تضاد	• عدم وجود موانع بصری	• ساختار	• دفع زباله
• سالخوردگان		• اختصاص	• آسایش	• حمل و نقل عمومی	• روشن	• عناصر طبیعی
		• اصلاح		• در تمامی فصول		
		• واگذاری		• در تمامی زمانها		
• برابری	• رضایتبخشی	• اطمینان	• تناسب با استانداردها	• به مردم	• هویت	• امنیت
			• کمی	• تعاملات اجتماعی	• رویدادها	• از بیماری
			• کیفی		• علائم	• از خطرات
					• نامها	
• دموکراسی		• پاسخگویی			• روح زندگی	
					• سازگاری با	
			• تناسب با انتظارات	• به خدمات	• زمینه	• تطابق
			• انعطاف پذیری	• تنوع عملکردها	• فرهنگی	• مقیاس
• گوناگونی	• حداقل تضاد	• سازگاری	• رضایتمندی	• فواصل مناسب	• اهمیت	• انسانی
					• بناهای	• آسایش
					• شاخص	• روانی
					• عملکردهای شاخص	



شکل ۱. موقعیت محور آزادی در رابطه با محدوده طرح ترافیک تهران



شکل ۲. معرفی بخش‌های چهارگانه تفکیک شده در محور مورد مطالعه ۱: دانشگاه تهران، ۲: میراث فرهنگی، ۳: دانشگاه صنعتی شریف، ۴: میدان آزادی و ۵: پایانه مسافربری

#### ۴- تحلیل داده‌ها

همانگونه که در جدول ۱ آمده است پس از مطالعه بخش‌های مختلف محور آزادی در چارچوب متغیرهای اصلی تحقیق و براساس مشاهده و تجربه مستقیم محقق در فضا به هریک از معیارهای تحقیق امتیازاتی بین ۱ تا ۱۰ داده شده است که در جداول ۲ تا ۴ نمونه ای از

آن که مربوط به متغیر دوام و شاخص‌های مختلف آن می‌باشد آمده است.

همانگونه سپس بر اساس اعداد بدست آمده امتیاز هر یک از متغیرها به صورت میانگین استخراج شده و به صورت توصیفی در قالب نمودارهای خطی ارائه گردیده است.

جدول ۲: امتیاز کسب شده در شاخص‌های مختلف معیار دوام

امتیازهای کسب شده هر بخش				معیارها و شاخص‌های مختلف تحقیق		
بخش ۴	بخش ۳	بخش ۲	بخش ۱			
۷	۴	۴	۴	دفع زباله	نگهداری	
۴	۴	۲	۲	عناصر طبیعی		
۶	۳	۳	۳	امنیت در برابر بیماری		
۱	۱	۲	۳	امنیت در برابر مخاطرات (تصادف و ...)	امنیت	دوام
۲	۲	۷	۶	مقیاس انسانی	تطابق	
۲	۲	۴	۲	آسایش روانی		

جدول ۳: میانگین امتیاز کسب شده در شاخص‌های مختلف معیار دوام

امتیازهای کسب شده هر بخش				معیارها و شاخص‌های مختلف تحقیق	
بخش ۴	بخش ۳	بخش ۲	بخش ۱		
۵.۵	۴	۳	۳	نگهداری	دوام
۳.۵	۲	۲.۵	۳	امنیت	
۲	۲	۵.۵	۴	تطابق	

امتیازهای کسب شده هر بخش				معیارها و شاخص‌های مختلف تحقیق
بخش ۱	بخش ۲	بخش ۳	بخش ۴	
۳.۳	۳.۷	۲.۷	۳.۳	دوام

## ۴-۱- بخش اول: حدفاصل میدان انقلاب و نواب

دوام: مشاهدات در این بخش حاکی از آن است که فضای سبزی در این بخش وجود ندارد. این بخش بسیار به لحاظ جمعیتی متراکم است که این شلوغی و ازدحام، آسایش روانی را در مجاورت میدان به ویژه ضلع جنوبی آن با مشکل مواجه ساخته است و این امر نه تنها برخورد میان افراد و اتومبیل‌ها را پدید آورده، بلکه آلودگی هوا و آلودگی صوتی را نیز به همراه آورده است. نفوذ ساخت و ساز به خیابان از یک سو و عبور و توقف موتورسیکلت‌ها در پیاده رو از سوی دیگر، تهدید بزرگی برای افراد پیاده به شمار می‌رود. علاوه بر این، وجود محور مختص اتوبوس‌های BRT نیز در این بخش به چشم می‌خورد که مزایای خاص خود را دارد.



شکل ۳. تصاویری از نفوذ موتورسیکلت به پیاده روها

معنا: در این بخش، ساختار فضا، مبتنی بر شبکه ای منظم است که آن را به روشنی شکل داده است. قرارگیری یک گره مهم یعنی میدان انقلاب و مجاورت به دانشگاه تهران و کتاب فروشی‌های متعدد نیز کیفیت و معنای متمایز و منحصر به فردی به این بخش داده است که آن را سرزنده‌تر از سایر بخش‌ها نموده است. حضور دستفروش‌ها نیز عامل دیگری در مجاورت میدان انقلاب می‌باشد که با دعوت مردم به خرید به این بخش، معنا بخشیده است.

دسترسی: در این بخش، مسیر اختصاص یافته به نابینایان نیز به وسیله دستفروش‌ها و موتورسیکلت‌ها اشغال شده است. برخی گروه‌های دانشجویی در این فضا مشاهده می‌شوند ولی عموماً این فضا، فضایی مشوق برای تعاملات اجتماعی نیست. اگرچه عملکردهای مختلف در این بخش شامل: سینماها، ساختمان‌های اداری و تجاری وجود دارد ولی مردم به فضای سبز دسترسی ندارند. اما پایانه حمل و نقل عمومی از جمله موارد مهمی است که در این بخش وجود دارد اگرچه تعریف و مرزبندی مشخصی ندارد.

تناسب: در این بخش، فضای کافی برای قدم زدن و خرید وجود ندارد و به لحاظ هویت فرهنگی تناسبی میان ساخت و سازها در فضا و زمینه دیده نمی‌شود و ضابطه و کنترل مناسبی نیز برای هماهنگی نما (ارتفاع، مصالح، سبک و غیره)، صورت نگرفته است. شلوغی و ازدحام از یک سو و عدم وجود تسهیلاتی مانند نیمکت، صندلی و کفسازی مناسب، محدودیت دیگری برای حرکت عابران به عنوان مهم‌ترین عملکرد این خیابان است.

کنترل: مرز قلمروهای مختلف به لحاظ پاسخگویی روشن و شفاف نیست. به عنوان مثال بخش‌های مختلف پیاده با مصالح و موارد ناشی از ساخت و ساز بدنه‌ها اشغال شده است و کنترل و نظارتی در آن وجود ندارد. اما در این بخش مانند تمامی بخش‌ها در شهرهای ایران، مالکیت زمین به مالکین حق تصاحب، واگذاری و ساخت را داده است اما امکان تغییر در قلمرو عمومی میسر نیست.

کارایی: شهرداری و مدیریت کلان شهر تهران سعی نموده است که با پیش بینی اتوبوس‌های BRT، مترو و تعریف محدوده طرح ترافیک که مانع از ورود وسایل نقلیه به این محدوده می‌شود تلاش‌هایی در جهت کاهش ترافیک نماید گرچه با توفیق چندانی نیز مواجه نبوده است. چراکه این بخش خاص از خیابان به دلیل عملکردهای خود، همچنان به عنوان جاذبه ای برای تمامی شهروندان در سطح شهر تهران مطرح است که مقیاسی فرامحله ای به آن بخشیده است.





شکل ۴. تصاویری از ساخت و سازهای بخش اول مورد مطالعه



شکل ۵. تصاویری از موانع حرکت پیاده در بخش اول مورد مطالعه



شکل ۶. تصاویری از بخش اول مورد مطالعه

عابرین پیاده هرچند که در این رابطه هم کارآمد نبوده و داشتن و نداشتن اتومبیل شخصی، هر یک مشکلات خود را در این بخش به همراه دارد. چراکه واقع بودن در محدوده طرح ترافیک از یک سو و مرکزیت مکان و ناکارآمد بودن سیستم حمل و نقل عمومی از سوی دیگر، هر دو گزینه را با سختی‌هایی مواجه ساخته است. دیوارهای خالی و ساختمان‌های عظیم (بافت درشت دانه)، مقیاس انسانی فضا را در لبه‌ها بر هم می‌زنند و به لحاظ طراحی گره‌ها نیز تعریف مشخصی به لحاظ کالبدی (به جز میدان انقلاب) وجود ندارد.

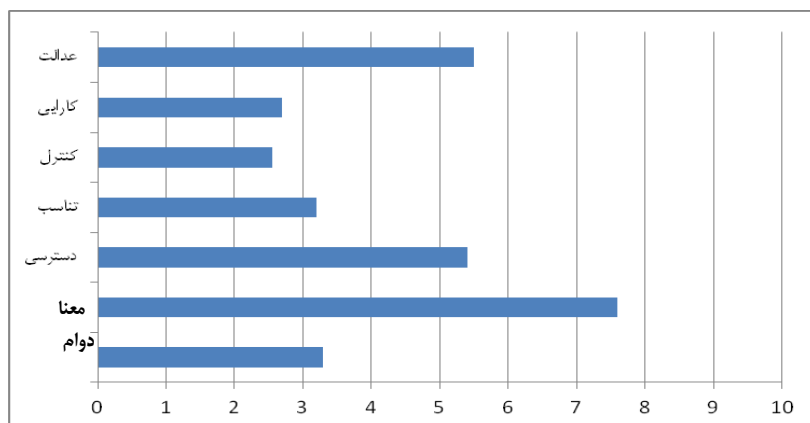
عدالت: در این محدوده برخی خدمات کلیدی قرار دارند ولی فعالیت‌هایی که در رابطه با زندگی روزمره افراد هستند مانند رستوران‌ها و سوپر مارکت‌ها در فواصل مناسب توزیع نشده اند. در این بخش، گروه‌های خاص اجتماعی مانند: کودکان، معلولین و سالخورده‌گان مورد توجه قرار نگرفته اند. زنده‌های پیرامون خیابان که امکان عبور را مسدود نموده‌اند در کنار وجود برخی پل‌های عابر پیاده، مانعی برای عبور گروه‌های ناتوان و یا دارای محدودیت‌های جسمانی و حتی افراد سالم می‌باشد. در واقع می‌توان گفت این خیابان برای اتومبیل طراحی شده تا



شکل ۷. تصاویری از عدم هویت در بدنه بخش اول مورد مطالعه

به طور کلی، امتیازهای کسب شده در هر بخش براساس مشاهدات جمع بندی شده و در نمودار ذیل آمده است که عامل معنا

بیشترین و عامل کنترل کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده است.



شکل ۸. مقایسه امتیازهای کسب شده در بخش اول به تفکیک معیارها

#### ۱-۴- بخش دوم: حذف نواب تا یادگار

دوام: با قدم زدن از تقاطع نواب تا یادگار، یک مسیر حاشیه ای به خیابان اصلی اضافه می شود و مقیاس فضا را تغییر می دهد و فضای سبز کوچکی پدید می آورد که این بخش را امن و مناسب تر می سازد. تعداد افراد حاضر در مقایسه با قسمت قبل به طور قابل ملاحظه ای کاهش می یابد. در این بخش نیز سیستم دفع زباله مناسبی پیش بینی نشده است.

معنا: ساختار روشن، یکی از نکات مثبت این بخش محسوب می شود. برخی ساختمان های شاخص نیز به لحاظ عملکرد و سبک وجود دارند ولی همچنان تطابقی با زمینه فرهنگی ندارند.



دسترسی: در این بخش، تعریض خیابان و وسعت بیش تر فضا، زمینه دوچرخه سواری را فراهم کرده ولی مسیر مشخصی برای آن ها تعریف نشده است. در طول این بخش از خیابان، مسیر جداگانه اتوبوس، به علاوه تقاطع زیرگذری که خیابان را قطع کرده امکان دسترسی پیاده را بین طرفین خیابان مسدود نموده است. علاوه بر این، ایستگاه های تاکسی در طول این خیابان تعریف نشده که سبب حضور ناامن مردم در کنار اتومبیل ها گردیده است. حمل و نقل عمومی شامل مترو و اتوبوس در این بخش وجود دارد اما از حرکت پیاده حمایت نمی نماید. مانند بخش قبل، کودکان نادیده گرفته شده اند و فرصتی برای تعاملات اجتماعی نیز وجود ندارد. شرایط به لحاظ خدمات کلیدی و عملکردها و تنوع آن وضعیت بهتری از بخش قبل دارد.

تناسب: مشاهدات در این بخش حاکی از جود برخی عملکردهای غیرسازگار با بافت مسکونی پیرامون می باشد و وجود ایستگاه پمپ بنزین در این بخش نیز تداوم حرکت پیاده را قطع نموده و عابران را به خیابان هدایت نموده است.



شکل ۹. تصاویری از هجوم اتومبیل در بخش دوم مورد مطالعه

فعالیت پیاده پدید می‌آورند که نشان دهنده مدیریت شهری ناکارآمد می‌باشد. کمبود کنترل در نظارت ساخت و ساز در بُعد هویت بخشی به لبه‌های شهری و نیز کنترل و ساماندهی عملکرد دستفروش‌ها نیز در این بخش مشهود است.



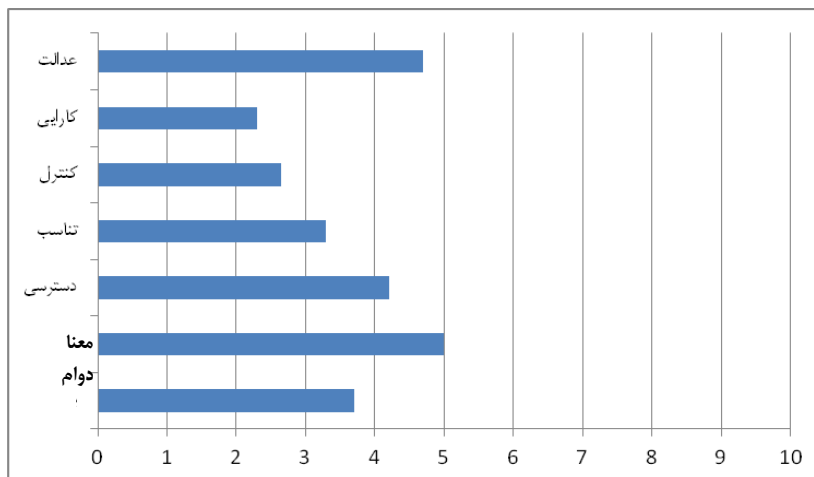
شکل ۱۰. تصاویری از بخش دوم مورد مطالعه

برخی دیوارهای خالی و بی هویت نیز فضا را برای مردم ناامن و نامطلوب ساخته است. وجود برخی عملکردهای تجاری و اداری ناسازگار و موقعیت‌های نادرست آن‌ها به حقوق افراد پیاده تجاوز نموده است.



شکل ۱۱. تصاویری از بدنه‌ها و نحوه پارک موتورسیکلت‌ها در بخش دوم مورد مطالعه

به لحاظ بیولوژیکی و روانشناختی و همچنین انتظارات شهروندان را نادیده گرفته است. در این بخش، همانگونه که در نمودار زیر قابل مشاهده است، کمترین امتیاز به عامل کارایی فضا اختصاص یافته است.



شکل ۱۲. مقایسه امتیازهای کسب شده در بخش دوم به تفکیک معیارها

کنترل: در این بخش از خیابان، مردم امکان فعالیت آزادانه، قدم زدن، تغییر مکان و مشارکت در تصمیمات شهری را ندارند. همیشه تضادی میان ارگان‌های پاسخگو مانند برق، گاز و تلفن وجود دارد که بدون هماهنگی دست به تعمیرات و تغییرات می‌زنند و مانعی برای تداوم



کارایی: به لحاظ این بعد، برخی تضادها سبب عدم کارایی آن گشته است. به عنوان مثال، وجود معبر حاشیه ای نه تنها در آرام سازی ترافیک مؤثر نبوده بلکه مکانی برای پارک موتورسیکلت‌ها فراهم نموده است. وجود





#### ۳-۴- بخش سوم: حدفاصل یادگار و میدان آزادی

بیش از سایر بخش‌ها می‌باشد. به علاوه، مقیاس فضا نیز غیرانسانی‌تر شده و آسایش روانی کاملاً نادیده گرفته می‌شود. سلسله مراتب ضعیف و تقاطع‌های تعریف نشده نیز از خوانایی فضا کاسته است.

دوام: با نزدیک شدن به میدان آزادی، آلودگی هوا و صوتی افزایش می‌یابد و امنیت و آرامش کاهش می‌یابد. در این بخش فضاهای سبز



شکل ۱۳. تصاویری از عناصر هویت بخش در بخش سوم مورد مطالعه

ساخته است. فضای سبز در میان میدان آزادی وجود دارد ولی دسترسی پیاده به آن چندان آسان و امن نیست و ورودی مسیر زیرگذر منتهی به آن نیز مسدود و به مکان انباشت زباله تبدیل شده است. وجود پایانه‌ها که همیشه فعال هستند به همراه حضور دائمی مردم در این بخش به امنیت و آسایش مکان کمک می‌کند ولی به دلیل وجود فضاهای کنترل نشده، مخفی و تاریک نتوانسته چندان موفق باشد. حمل و نقل عمومی نیز از طریق ایستگاه‌ها و پایانه‌های اتوبوس شهری تأمین گردیده است.

معنا: یادمان آزادی و تا حدودی دانشگاه صنعتی شریف عناصری هستند که معنای سمبلیک و نمادین به این بخش داده‌اند که برخی رویدادهای سیاسی و اجتماعی در طول سال نیز این معنا را تثبیت نموده‌اند. اما در این بخش انتظام فضایی ساختاریافته و روشنی وجود ندارد.

دسترسی: یک مسیر زیرگذر در این بخش در مقابل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری وجود دارد که نه تنها به عنوان مانع بصری به شمار می‌رود بلکه دسترسی پیاده را به آن نیز قطع کرده و پرخطر



شکل ۱۴. تصاویری از زیرگذرها و محل عابر پیاده در بخش سوم مورد مطالعه

توجه به مقیاس انسانی نیز از جمله ویژگی‌های نامطلوب این بخش به شمار می‌رود. به علاوه، ساماندهی فضا به نحوی هدایت کننده و خوانا که بتواند امنیت و آسایش روانی عابران را به همراه داشته باشد صورت نگرفته است.

تناسب: وجود ترمینال غرب که میزبان مسافرانی است که از سایر شهرها به تهران می‌آیند و اهمیت میدان آزادی، به عنوان گره ارتباطی بین شمال و جنوب و شرق و غرب تهران از ویژگی‌های بارز این بخش است. نادیده گرفتن افراد پیاده با اولویت دادن بر حرکت سواره و عدم



شکل ۱۵. تصاویری از اتومبیل‌ها و فضای بی هویت در بخش سوم مورد مطالعه

کنترل: مرز میان ترمینال و حمل و نقل عمومی تعریف نشده و همواره آلودگی در آن به چشم می‌خورد و مسئولین، پاسخگوی کفسازی، بهداشت، کنترل دستفروش‌ها، نظم مکان (نحوه توزیع ایستگاه‌ها و خدمات)، امنیت مکان و حمایت از افراد پیاده نیستند و الگوی ثابت و قابل پیش بینی در آن وجود ندارد. به عنوان مثال گاهی پیرامون مجموعه حصار کشیده می‌شود و گاهی این حصار برداشته می‌شود.

کارایی: متأسفانه مدیریت ضعیف در ساماندهی پیاده روها، تقاطع‌ها

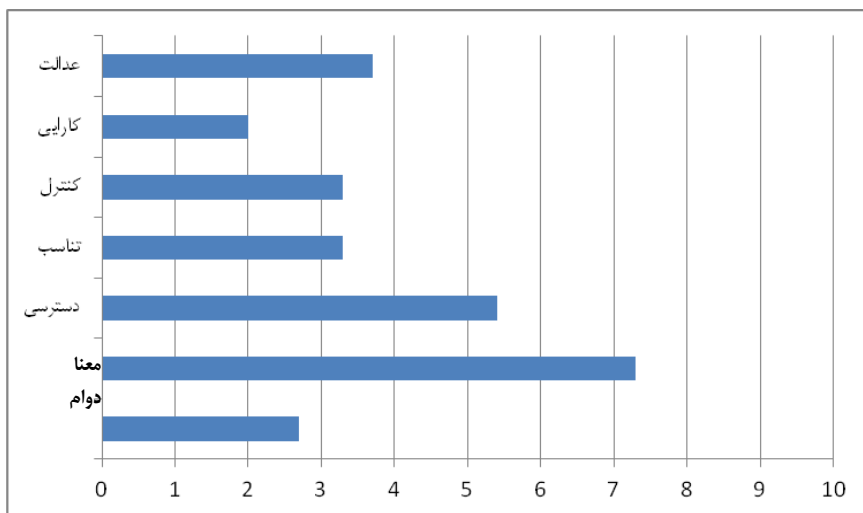


شکل ۱۶. تصاویر از هجوم موتورسیکلت‌ها به عرصه پیاده

و ایستگاه‌های تاکسی، این بخش را پرمخاطره و ناامن ساخته و در مجاورت میدان مسیریابی و حس جهت‌یابی را با ابهام روبرو نموده است.

عدالت: گروه‌های مختلفی مانند: مسافران و شهروندان از زنان، کودکان، جوانان، بزرگسالان تا معلولین در پیرامون میدان آزادی در حال حرکت و فعالیت هستند اما کاملاً از سوی مسئولین نادیده گرفته شده‌اند.

همانگونه که در نمودار زیر قابل مشاهده است در این بخش نیز کارایی از پایین‌ترین امتیاز برخوردار است ضمن آن که معنا نیز به دلیل عناصر شاخص در این بخش، افزایش داشته است.



نمودار ۱۷. مقایسه امتیازهای کسب شده در بخش سوم به تفکیک معیارها

#### ۴-۱- بخش چهارم: حدفاصل میدان آزادی تا اکباتان

دوام: سرعت اتومبیل این محدوده را پرسروردا و خطرناک ساخته است. فضای سبز کافی وجود ندارد ولی بهداشت و دفع زباله وضعیت بهتری دارد.

معنا: اتوبان کرج، قرارگیری فرودگاه مهرآباد و برخی ساختمان‌های صنعتی به این بخش مقیاسی غیرانسانی و کاملاً متفاوت بخشیده است. علائم راهنمایی کننده ای وجود ندارد و فضاهای خالی و فاقد ملاحظات فرهنگی در ساخت و ساز فضایی و رویدادهای فضا فاقد هرگونه معناست.

دسترسی: این محدوده مکانی برای اتومبیل است و نه افراد پیاده! غلبه اتومبیل به عدم حضور مردم و عدم تعاملات و رویارویی مردم منتهی شده است. این مکان برای قدم زدن زنان امن نبوده و به طور کلی خوشامدگو و پذیرای حرکت پیاده نمی‌باشد. وابستگی به اتومبیل و حمل و نقل عمومی به علت مسافت‌های طولانی، مشکل دیگر این بخش است. کمبود پل عابر پیاده، تقدم سواره بر پیاده و ترافیک کمتر نیز مشهود است. اگرچه مجموعه مسکونی مهم و موفقی به نام شهرک اکباتان در این بخش وجود دارد نشانه ای از تعریف ورودی آن برای افراد

پیاده دیده نمی‌شود و فضا به گونه ای ست که فرد احساس می‌کند از محدوده شهر خارج شده است.

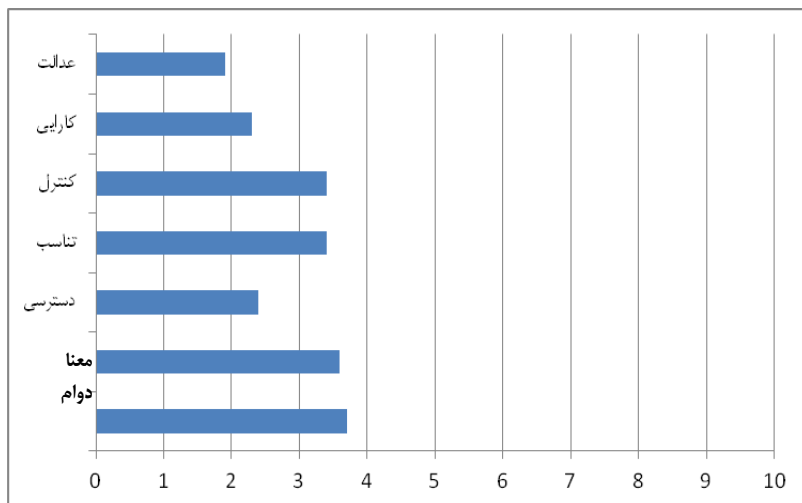
تناسب: پیاده روها به لحاظ کفسازی و درختان نامطلوب هستند. وجود عملکردهای صنعتی و آلودگی صوتی از رضایت بخشی و آرامش فضا به ویژه در ساعات پس از غروب آفتاب می‌کاهد.

کنترل: مردم نمی‌توانند آزادانه حضور داشته باشند و قلمرو خود را ادعا کنند. به نظر می‌رسد مسئولین نیز در بهبود این امر پاسخگو نیستند.

کارایی: مجموعه مسکونی اکباتان با تسهیلات و دسترسی داخلی خاص خود، مانند جزیره ای در میان اتومبیل‌ها و بزرگراه‌ها احاطه شده است. این محدوده به دلیل وسعت و عدم برنامه ریزی مناسب برای پیاده و حمل و نقل عمومی، وابستگی به اتومبیل را به همراه داشته است.

عدالت: عدالت، معنای متفاوتی برای ساکنین و مسافری دارد چراکه مسافران کاملاً نادیده گرفته شده‌اند. ولی استقلال و خودکفایی مجموعه مسکونی اکباتان، عملکردهای مختلفی را فراهم می‌کند و نیاز ساکنین را برآورده می‌سازد.





شکل ۱۹. مقایسه امتیازهای کسب شده در بخش چهارم به تفکیک معیارها

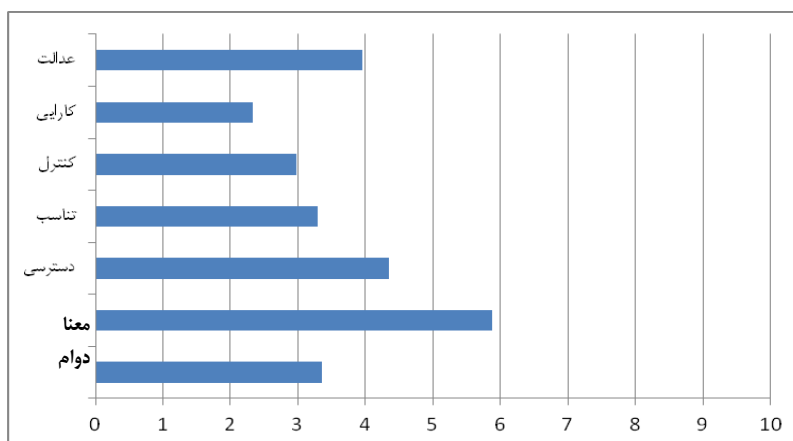


شکل ۱۸. تصاویری از محدوده چهارم مورد مطالعه

## ۵- نتیجه گیری

- به لحاظ عامل دسترسی ضعیف ترین بخش، بخش چهارم و مطلوب ترین وضعیت به بخش اول تعلق دارد.
- به لحاظ عامل تناسب هم تفاوت محسوسی در بخش‌های مختلف دیده نمی‌شود که نشان دهنده عدم حمایت فضا از فعالیت‌های روزمره است که در همه بخش‌ها وجود دارد و حدود ۳۰ درصد کل امتیاز را به خود اختصاص داده است.
- به لحاظ عامل کنترل هم بیشترین میزان در بخش چهارم و کمترین میزان به بخش اول تعلق دارد.
- به لحاظ عامل کارایی نیز بخش سوم کمترین و بخش اول بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده است.
- در بررسی عامل عدالت نیز کمترین میزان به بخش چهارم و بیشترین میزان به بخش اول تعلق دارد.

- پس از انجام بررسی‌ها و امتیازدهی به هریک از بخش‌های چهارگانه فضا که به آن اشاره گردید میانگین نتایج نیز محاسبه گردید که در قالب نمودار ذیل آمده است. این نتایج حاکی از آن است که محور مورد مطالعه بیشترین مطلوبیت را به لحاظ معنا و کمترین مطلوبیت را به لحاظ کارایی دارد. ضمناً مقایسه بخش‌های گوناگون نیز حاکی از آن است که در ابعاد مختلف این وضعیت در بخش‌های مختلف فضا حاکم است:
- به لحاظ عامل بقا کمترین میزان در بخش ۳ و بیشترین میزان در بخش دوم و چهارم به چشم می‌خورد.
- به لحاظ عامل معنا کمترین میزان در بخش چهارم و بیشترین میزان در بخش اول وجود دارد که دلایل آن در وجود عملکردهای متنوع، رویدادهای فعال روزمره و حضور مردم نهفته است.



شکل ۲۰. متوسط مقایسه امتیازهای کسب شده در کل محور مورد مطالعه

در مجموع می‌توان گفت با توجه به امتیازهای داده شده و امتیاز کل بیشترین میزان مطلوبیت در مقایسه عوامل گوناگون، تنها حدود ۵۰ درصد می‌باشد که نشان دهنده ضعف کلی فضا علیرغم بار معنایی و اجتماعی آن است.

به طور کلی، براساس نظریه شهرسازی روزمره که بر تجارب مستقیم و زندگی روزمره در فضا استوار است می‌توان گفت با توجه به عدم تناسب فضا و عدم حمایت آن از عملکردهای جاری در فضا، کارایی و موازنه لازم بین ابعاد مختلف آن ایجاد نگردیده است. آن چه به این فضا معنا بخشیده و به این ویژگی در میان سایر معیارها برتری داده شامل دو محور است: الف) شکل‌گیری عناصر هویت بخش به فضا که به صورت مقطعی توسط مدیریت شهری و تعریف پروژه‌های مناسب در فضا شکل گرفته ولی با عدم پیگیری و نظارت کافی در ساخت و سازهای آتی تداوم نداشته است، ب) حضور، زندگی و تمرین اجتماعی مردم در فضا که در خلال زندگی روزمره آن‌ها شکل گرفته است. اما به طور کلی مشاهدات حاکی از آن است که این فضا علیرغم ظرفیت‌های معنایی نتوانسته این موازنه و عدالت را در سه بعدی که در مطالعات مشهود است برآورده سازد:

- در عامل تنوع نتوانسته است به لحاظ عملکردهای اجتماعی، تفریح

#### پی‌نوشت

و سرگرمی و حتی رفع برخی نیازهای روزمره ساکنین به نحوی مطلوب عمل نماید؛

- در ایجاد برابری نتوانسته گروه‌های مختلف اجتماعی، ساکنین این منطقه که زندگی روزمره آن‌ها هر روز مورد تهاجم اتومبیل‌ها و سایر شهروندان قرار می‌گیرند و حتی رفت و آمد افراد پیاده به عنوان محوری ترین گروه کاربران فضا را به یک نسبت مورد توجه قرار دهد؛

- در بُعد خلق فضای دموکراتیک به معنای امکان مشارکت و کنترل افراد در فضا نیز نتوانسته این حس را به کاربران و ساکنین القا نماید.

بنابراین می‌توان گفت که ظرفیت‌هایی در این بستر وجود دارد که نتوانسته با مدیریت شهری مناسب و جلب مشارکت کاربران و ساکنین از طریق لحاظ نمودن آن‌ها و قدرت بخشیدن به آن‌ها به تبلور برسد. لذا، انجام چنین مطالعه‌ای در خصوص سایر فضاهای شهری مهم تهران و سنجش معیارهای هفتگانه این تحقیق در آن‌ها به عنوان تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود تا شاید بتواند به مدیران شهری در اتخاذ تصمیمات مقتضی در رفع کمبودهای فضایی که آن‌ها را دربرآوردن نیاز شهروندان ناکارآمد ساخته یاری رساند.

1. First-person
2. Violich
3. Toombs

#### منابع

1. Crawford M, Baird G, Mehrotra R, Kelbaugh D (2005), Everyday Urbanism (Michigan Database on Urbanism), University of Michigan, Michigan.
2. Lefebvre H (1991), The production of space. Blackwell, Oxford.
3. Lefebvre H (1996), Writings on cities. Blackwell, Cambridge, MA.
4. Francis M (1988), Changing values for public spaces, Landscape Architecture, Vol. 78, pp. 54-59.
5. Walzer M (1986), Pleasures and Costs of Urbanity, Dissent, Vol. 33, pp. 470-475.
6. Carr S, Francis M, Rivlin LG, Stone AM (1992), Public Space, Cambridge University Press, Cambridge.
7. Moudon AV (1992), Public Streets for Public Use. Columbia University Press, New York.
8. Vale L, S. Bass Warner Jr (2001), Imaging the City: Continuing Struggles and New Directions, Center for Urban Policy Research, New Brunswick NJ.
9. Appleyard D, Jacobs A (1987), Toward an Urban Design Manifesto, American Association Journal, No: 53, Vol. 1, pp. 112-120.
10. Lynch K (1981), A Theory of Good City Form, MIT Press. Cambridge.
11. Violich F (1985), Toward revealing the sense of place: An intuitive "reading" of four Dalmatian towns. In D. Seamon and R. Mugerauer (Eds.), Dwelling, place and environment: Towards a phenomenology of person and world, New York, Columbia University Press, pp. 113-136
12. Violich F (1998), The bridge to Dalmatia: A search for the meaning of place, Baltimore, Johns Hopkins Press.
13. Toombs SK (1992), The meaning of illness: A phenomenological account of the different perspectives of physician and patient, Dordrecht, the Netherlands, Kluwer.
14. Toombs SK (1995), The lived experience of disability, Human Studies, Vol. 18, pp. 9-2
15. Low SM (2005), Anthropological-Ethnographic Methods for the Assessment of Cultural Values in Heritage Conservation, Research Report The Getty Conservation Institute, Los Angeles.

۱۶. گروت، ل؛ وانگ، د (۱۳۸۴)، روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

# Evaluating the Interface between Urban form and Activity: A Case Study of the Azadi Avenue in Tehran

Maryam charkhchian<sup>\*1</sup>, Mahyar Arefi<sup>2</sup>

---

## Abstract

*The role public urban spaces play in the quality of life of a city's residents has repeatedly appeared and been discussed in the literature. The sheer existence and vitality of such spaces guarantees how to think about their effective planning and design. Against the backdrop of Kevin Lynch's five measurement criteria (vitality, sense, fit, control, efficiency and justice), this study examines one of the main transportation corridors in Tehran, Iran. Observation of people's activities between Enghelab Square and Ekbatan along this important east-west vehicular and pedestrian axis was used as the key research method. The length and diversity of public space activities along the study area prompted the division of the axis into four meaningful segments each with distinct spatial, social, and mobility characteristics. The results show that while sense had the largest share of the key indicators overall, efficiency had the lowest share respectively. Based on the working definitions of each of the broad categories and their subcategories, the findings show the weaknesses or relative strengths associated with each type of space. These findings have specific policy and design implications for improving the status quo. The findings also show that while the spaces have been somewhat successful in terms of sense, justice and access, they have fared inadequately in terms of reducing the vehicular-pedestrian tension and increasing pedestrian safety.*

## Keywords

*Public space, Everyday urbanism, Efficiency, Control, efficiency, and sense.*

---

<sup>\*</sup> Corresponding author: [m\\_charkhchian@iust.ac.ir](mailto:m_charkhchian@iust.ac.ir)

1. Assistant Professor, Payam Nour University, Department of Art and Architecture

2. School of planning, College of design, Architecture, Art and Planning, University of Cincinnati

# TARH-O-NAMAD

The Journal of Fine Arts

No. 8, Winter 2015

## Content

- **Using the Hybrid Model (SWOT-AHP) to Improvement Sustainable Development of Khoy City with Emphasis on Cultural Tourism Development** 201  
Sanaz Litkouhi, Mahsa Mojtahedi
- **Evaluation and Recognition of the Main Factors Affecting the Creatively Orientation of Contemporary Architecture by Interaction with the Sustainable Values** 200  
Maziar Asefi, Elnaz Imani
- **Ameliorating Students Satisfaction of the Classroom by Retrieving Design Factors** 199  
Seyed Bagher Hosseini, Bahman Babaei, Mohsen Poorhamzeh
- **Structural Examination of Domes in some Jameh Mosques of Iran Belonging to Different Historical Periods** 198  
Farnoosh Minooei, Lida Balilan, Farzad Derakhshan, Vahid Salmasi
- **From under the Shadows to the House (Analysis of the Evolution of Rectangular Houses of the Vernacular Architecture of Uraman)** 197  
Gholamhosein Memarian, Sirvan Azimi
- **Evaluating the Interface between Urban form and Activity: A Case Study of the Azadi Avenue in Tehran** 196  
Maryam charkhchian, Mahyar Arefi
- **Promotion of Capacity of Urban Public Spaces for Children's Presence with emphasis on Model of Walking Bus** 195  
Mahnaz Ashrafi

# TARH O NAMAD

## Journal of Fine Arts

Iran University of Science and Technology

No 8, Winter 2015

**Editor in Chief:** Dr. Asghar Mohammad Moradi

**Published By:** Iran University of Science and Technology

### Editorial Board

<b>Dr. Mohsen Faizi</b>	Professor of Landscape Architecture, Iran University of Science and Technology
<b>Dr. Gholamhossein Memariyan</b>	Professor of Architecture, Iran University of Science and Technology
<b>Dr. Mostafa Behzadfar</b>	Professor of Urban Design, Iran University of Science and Technology
<b>Dr. Esmail Shiea</b>	Professor of Urban Planning, Iran University of Science and Technology
<b>Dr. Mahyar Ardeshiry</b>	Associate Professor of Urban Design, University of Shiraz
<b>Dr. Mohammad Reza Bemanian</b>	Associate Professor of Architecture, Tarbiat Modarres University
<b>Dr. Farhad Tehrani</b>	Associate Professor of Architecture, Shahid Beheshti University
<b>Dr. Farah Habib</b>	Associate Professor of Urban Design, Azad University
<b>Dr. Mohsen Sartipipur</b>	Associate Professor of Architecture, Shahid Beheshti University
<b>Eng. Abdolhamid Noghrekhar</b>	Associate Professor of Architecture, Iran University of Science and Technology
<b>Dr. Farshad Noorian</b>	Associate Professor of Urban Design, University of Tehran
<b>Dr. Abbas Ali Izadi</b>	Assistant Professor of Architecture, University of Tehran
<b>Edition Counselor:</b>	Dr. Mehdi Khakzand, Assistant Professor of Architecture, Iran University of Science and Technology
<b>Executive Director:</b>	BSc Fanela MemarZanjani

**Address:** School of Architecture & Environmental Design, Iran University of Science and Technology

**TEL:** +9821-77240277

**WEB:** [jfa.iust.ac.ir](http://jfa.iust.ac.ir)

**E-mail:** [jfa@iust.ac.ir](mailto:jfa@iust.ac.ir)

**Printed by:** Iran University of Science and Technology Publications